

نقد قرائت آرامی - سریانی لوگزنبرگ از آیه ۲۴ مریم

سهیلا جلالی کندی *

ساجده نبئی **

چکیده

آیات ۱۷ تا ۳۶ سوره مریم بیانگر آن است که حضرت مریم علیها السلام بعد از اینکه از شرم مواجهه با قومش به مکان دوری پناه برد و درد زایمان او را فراگرفت، خدا ایشان را با بشارت به فرارگرفتن جوی آب در زیر پا و باردادن درخت خرما تسلی داد. اما ظاهراً شرم از مواجهه با قوم، چیزی نیست که به وسیله طعام و شراب تسکین یابد. لوگزنبرگ کوشیده تا بین این دو مقوله ارتباطی برقرار سازد. او معتقد به نگارش قرآن به زبان عربی - آرامی است و چون با رسم الخط ابتدایی و بی نقطه و اعراب بوده، برخی از کلمات آن تصحیف شده است، مانند «تحت» و «سری» در آیه ۲۴ که تصحیف «نحیت» به معنای «زایمان» و «سری» به معنای «مشروع» در زبان سریانی - آرامی است. اما شواهد تاریخی نشانگر آن است که مسلمانان در قرائت قرآن تحت تأثیر زبان سریانی نبوده‌اند و هیچ مفسری این دو واژه را مصحف نمی‌داند. همچنین کتب لغت سریانی نیز معانی مورد نظر لوگزنبرگ را تأیید نمی‌کنند. افزون بر اینکه ارتباط این آیات توجیه‌های دیگری نیز دارد که پذیرفتنی‌تر است.

واژگان کلیدی

آیه ۲۴ مریم، واژه تحت، واژه سری، لوگزنبرگ، سریانی، آرامی.

s.jalali@alzahra.ac.ir

s.nabaei@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۳۰

*. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء علیها السلام (نویسنده مسئول).

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء علیها السلام.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۸

طرح مسئله

کریستف لوگزنبرگ در کتاب *قرائت آرامی - سریانی قرآن: جستاری در ایضاح زبان قرآن* کوشیده است تا اثبات کند که قرآن به زبان عربی نوشته نشده است؛ بلکه به زبانی آمیخته از زبان عربی - آرامی است که در زمان پیامبر ﷺ در مکه رایج بود. او معتقد است مکه در اصل «ماکا» بوده که در زبان آرامی به معنای پست و پایین است. شهر مکه نیز در منطقه پستی قرار داشته و این منطقه در اصل منطقه‌ای آرامی بوده است. این زبان مختلط (عربی - آرامی) از آغاز خطی ناقص (یعنی بدون اعراب و نقطه) داشت. از دیدگاه او عربی کلاسیک ساخته و پرداخته جای دیگری است (گرچه هیچ‌گاه محل آن را مشخص نمی‌کند). به عقیده او عرب‌های دوره‌های بعد قرآن را درست نمی‌فهمیدند؛ چراکه قرآن به صورت نسخه‌های مکتوب بدون نقطه و اعراب بوده و عرب‌ها آیات را بر پایه زبان عربی زمان خود تفسیر و تعبیر می‌کرده‌اند. (دوبلوا، ۱۳۸۲: ۱۲۱ - ۱۲۰) و از سوی دیگر پیامبر ﷺ یاران خود را به فراگرفتن سریانی یا عبری تشویق می‌کردند و همین مسئله سبب شد خوانش‌ها و قرائات متفاوت و بعضاً غلطی با بن‌مایه سریانی یا عبری از قرآن پدید آید. لوگزنبرگ انکار می‌کند که سنت نقل شفاهی قرآن در کنار متن مکتوب آن وجود داشته و به نوبه خود این نقص را رفع می‌کرده است. همچنین گویا اقدام ابوالاسود دوئلی و شاگردانش را در جهت نقط و شکل قرآن فراموش کرده است. او شواهد قرآنی بسیاری را در تأیید نظر خود نقل می‌کند. یکی از مثال‌های مورد استناد لوگزنبرگ آیه ۲۴ سوره مریم است. در این نوشتار گزارش مختصری از نظر او ارائه و سپس نظرات مفسران و لغت‌شناسان مطرح می‌شود و ارتباط بخش‌های آیه تبیین می‌گردد.

پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع این نوشتار، مقاله دیگری با همین عنوان به قلم محمدعلی همتی و محمدکاظم شاکر نگارش شده و در فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء به چاپ رسیده است؛ اما در آن مقاله اولاً ارتباط بین آیات ۲۳ و ۲۴ (شرم بارداری و تسکین مریم علیها السلام به‌وسیله طعام و شراب) تبیین نشده است. ثانیاً اشتقاق خط عربی از خط نبطی و محدوده تأثیرپذیری آن از خط سریانی مسکوت مانده است. در این پژوهش با نگاه دقیق‌تری به نظر لوگزنبرگ پرداخته شده است. افزون بر این نوشتار دیگری نیز با عنوان «نقد دیدگاه لوگزنبرگ درباره سریانی بودن خط قرآن در نگارش نخستین»، تألیف زهرا صرفی، آذرتاش آذرنوش، نصرت نیلساز و نهله غروی نایینی در نشریه ادب عربی دانشگاه تهران به چاپ رسیده است. مقاله مذکور با اثبات هویت مستقل خط عربی در

کنار خط سریانی، به‌طور کلی دیدگاه لوگزنبرگ را مبنی بر استفاده از خط سریانی برای نگارش قرآن به چالش می‌کشد و آن را رد می‌کند. اما تمرکز این نوشتار به‌طور خاص بر خوانش لوگزنبرگ از آیه ۲۴ سوره مریم علیه السلام است. البته نقد قرائت او از این آیه مبتنی بر نتایج مقاله «نقد دیدگاه لوگزنبرگ درباره سریانی بودن خط قرآن در نگارش نخستین» است.

۱. تبیین لوگزنبرگ از آیه ۲۴ سوره مریم علیه السلام

این آیه و آیات قبل و بعد از آن گزارش اواخر دوران بارداری و زایمان مریم علیه السلام است؛ در این ایام، مریم علیه السلام از قوم و اهل خود دوری گزید و به مکان دوری رفت. «فَحَمَلَتْهُ فَاتَّبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا». (مریم / ۲۲) سپس درد زاییدن او را مجبور کرد به کنار تنه درخت خرمایی پناه برد و با خجالت و شرم گفت: ای کاش پیش از این مرده و فراموش شده بودم (تا مردم درباره‌ام حرف ناپسندی نمی‌زدند) «فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا». (مریم / ۲۳) و عیسی علیه السلام او را ندا داد که اندوهگین مباش؛ زیرا خداوند زیر پای تو جوی آبی قرار داده است «فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا». (مریم / ۲۴)

لوگزنبرگ معتقد است نگرانی مریم علیه السلام از شرم بارداری و زایمان بدون همسر بوده است، پس دلداری او مبنی بر اینکه زبان سریانی زبان مکتوب بین النهرین و نیز اعراب بود، بسیار محتمل است که این زبان نخستین پدیدآورندگان عربی مکتوب را تحت تأثیر قرار داده باشد. وی نتیجه می‌گیرد دو واژه «تحت» و «سری» تصحیفی از اصل سریانی «نحیت» و «شری» به معنای «وضع حمل» و «مشروع» است؛ به این ترتیب آیه را چنین معنا می‌کند: «پس او را هنگام زایمان ندا داد غمگین نباش که خداوند زایمان تو را مشروع قرار می‌دهد». لوگزنبرگ می‌گوید: مفسران اسلامی همه تلاش خود را مبذول پیدا کردن ضمیر مستتر در فعل «ناداها» کرده‌اند؛ درحالی‌که مشخص شدن منادی، اهمیت چندانی ندارد؛ بلکه آنچه اهمیت دارد پیدا کردن رابطه بین شرم بارداری بدون همسر و تسکین آن به‌وسیله شراب و طعام است. (کریمی‌نیا، ۱۳۸۲: ۳۵۶ - ۳۵۵) در این نوشتار تلاش شده است صحت و سقم ادعای لوگزنبرگ در رابطه با تصحیف این دو واژه از اصل سریانی و همچنین رابطه بین شرم از بارداری بدون همسر و تسکین مریم علیه السلام به‌وسیله جوی آب مشخص گردد.

ابتدا می‌بایست تاریخچه پیدایش خط عربی و نحوه اشتقاق آن از خطوط دیگر و همچنین رابطه آن با خط سریانی مشخص شود.

۲. اشتقاق خط عربی از الفبای نبطی و تأثیر خط سریانی بر این تحوّل

خطوط نوشته‌های دوران جاهلیت به‌طور کلی به دو نام «مسند» و «نبطی» خوانده شده است. مسند خط مردم جنوب جزیره العرب؛ یعنی مردم یمن بود که حتی هزارسال پیش از میلاد هم نوشتن را می‌دانستند. این خط را مشتق از خط فینیقی یا خطوط سیناء یا کنعانی دانسته‌اند. این خط نسبت به خط نبطی تاریخ کهن‌تری دارد. مسند از ۲۹ حرف تشکیل می‌شود و همه این حروف، بی‌صدا و از یکدیگر جدا و منفصل‌اند. نویسندگان برای تفکیک کلمات در پایان هر کلمه خط عمودی رسم می‌کردند؛ اما میان جمله‌ها و عبارتها فاصله‌ای وجود نداشت. به علاوه این خط فاقد علائمی همچون استفهام، تعجب، اعراب، نقطه، مدّ، سکون و تشدید بود. واضح است که خواندن چنین الفبایی کاری بس دشوار و سخت است. (رامیار، ۱۳۶۹: ۴۹۵ - ۴۹۳ با تلخیص)

آذرنوش، زبان‌شناس معاصر، خط عربی را مشتق از سریانی نمی‌داند و معتقد است خط «نبطی» از خط آرامی مشتق شده است. نبطیان که دیرزمانی رهنوردان خستگی‌ناپذیر صحرا بودند و نقش عظیمی در تمدن شمال شبه جزیره عربستان بازی کردند، هم از نظر نژاد و هم از نظر زبان با اعراب برادرند و مانند دیگر اقوام شمال عربستان به شدت تحت تأثیر آرامی بودند. اقوام آرامی تقریباً در هزاره دوم ق. م. به بین‌النهرین و سوریه شمالی روی آورده، آن سرزمین را مسکن خویش قرار دادند. این اقوام که در آغاز خطی نداشتند، ناچار زبان خود را که یکی از لهجه‌های سامی بود، به خط موجود در آن نواحی؛ یعنی فینیقی می‌نوشتند. همین خط بود که پس از اندک تحولی به خط آرامی مشهور شد. تأثیرپذیری نبطیان از آرامی به قدری بود که برخی بر این باورند که ایشان افزون بر زبان رسمی در محاوره‌های روزانه خود نیز از آرامی استفاده می‌کردند. (آذرنوش، ۱۳۷۴: ۶۴ - ۶۱ با تلخیص) شاید دلیل این همه اقبال، سادگی این زبان بود، بر خلاف خط «مسند» که بسیار پیچیده می‌نمود. پس از مدتی خط آرامی دچار تحوّل شد و به خط نبطی گرایید. از آنجا که زبان نبطیان یکی از لهجه‌های عربی کهن بود، در آثار آرامی آن زمان تأثیر عربی به خوبی مشاهده می‌شود و هرچه به دوران اسلام نزدیک می‌شویم، این تأثیر آشکارتر می‌گردد؛ به عبارت دیگر چنین احساس می‌شود که تازیان شمال با حفظ خط آرامی - نبطی، اندک‌اندک از زبان آرامی روی گردانیدند و از لهجه عربی خویش استفاده کردند. امروز دیگر تردیدی نمانده است که خط عربی از الفبای نبطی مشتق شده است. (همان: ۶۷ - ۶۶)

از دیگر خطوطی که از خط آرامی مشتق شده (نیمه اول قرن اول میلادی) و در تمدن خاورمیانه نقش عمده‌ای ایفا کرده است، خط سریانی است. اغلب اشکال‌های خط عربی از نظر تشابه برخی حروف یا ضبط نکردن مصوّت‌های کوتاه در سریانی نیز موجود است. واو، دال و راء شبیه هم نگارش می‌شد؛ اما

بعدها با اضافه کردن یک نقطه در بالای واو برای راء و یک نقطه در زیر آن برای دال، مانع پیش آمدن این اشتباه شدند و برای ظاهر کردن حرکات نیز به همین روش نقطه‌گذاری پناه بردند. بنابراین تأثیر خطّ سریانی بر خطّ عربی، محدود به همین شکل ظاهر و روش نقطه یا اعراب‌گذاری است. این تئوری که منشأ خطّ عربی را سریانی می‌داند، اساس علمی و صحیحی ندارد. (همان، ۷۵ - ۶۵ با تلخیص) به این ترتیب دلیل شباهت‌های که بین خطّ عربی و سریانی وجود داشت این بود که هر دو از مصدر واحد یعنی خطّ آرامی، مشتق شده بودند؛ نه اینکه یکی مصدري برای دیگری باشد.

بنابراین لوگزنبرگ با خلط بین دو زبان آرامی و سریانی و تاریخ تحوّل آنها مغالطه کرده است؛ زیرا آن زبان مادر و اصیلی که بسیاری از خطوط و زبان‌های خاورمیانه را شکل داد، یعنی زبان آرامی، قبل از سده نخست میلادی، به شاخه‌های گوناگونی تقسیم شد که خط و زبان سریانی و نیز خط و زبان نبطی و بعدها خط و زبان عربی از جمله آن شاخه هاست و نباید آن تأثیر گذشته زبان و خط آرامی را با روابطی که دو زبان عربی و سریانی به‌عنوان دو زبان هم‌خانواده و بلکه همسایه با یکدیگر داشته‌اند، خلط کرد. (صرفی، ۱۳۹۵: ۵)

حال که صحت ادعای لوگزنبرگ مبنی بر اشتقاق خط و زبان عربی از خطّ و زبان سریانی با توجه به شواهد تاریخی و زبان‌شناسی ردّ شد، باید دید چه ارتباط معنایی بین واژگان «تحت - سری» و «نحیت - سری» که لوگزنبرگ گروه یکم را تصحیف گروه دوم می‌داند، وجود دارد و اساساً چه مفهومی را پوشش می‌دهند؟

بررسی واژه «تحت»

«تحت» یکی از جهت‌های شش‌گانه محیط بر جسم و نقیض «فوق» است. جمع آن «تُحوت» به معنای انسان‌های پایین مرتبه و دون‌پایه است (در مقابل «وُعول» به معنای اشراف) (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۲ / ۳؛ راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۱۶۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۳: ۱۸ - ۱۷ / ۲؛ زبیدی، ۱۳۶۹: ۲۶ / ۳). این واژه در فرهنگ سریانی - آرامی نیز به معنای قسمت زیرین آمده است. (مشکور، ۱۳۷۵: ۹۷ / ۱)

واژه «تحت» در دو موضع از آیه ۲۴ سوره مریم به‌کار رفته است؛ یکبار در بخش آغازین آیه که می‌فرماید: «فنادها من تحتها» و دیگر قسمت پایانی آیه که می‌فرماید: «قد جعل ربّک تحتک سریا».

پیش از آنکه به معنای «من تحتها» پرداخته شود، لازم است بررسی شود ندادهنده چه کسی است؟ براساس نظر مفسران این ندادهنده جبرئیل یا عیسی علیه السلام است. اکثر مفسران ندادهنده را عیسی علیه السلام می‌دانند؛ به این دلیل که جبرئیل از فوق ندا می‌دهد نه از زیر. (به‌عنوان نمونه ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۸۶ / ۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۳ / ۱۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۳۶ / ۱۵) البته مدرسی تصریح می‌کند منادی

بودن عیسی علیه السلام با سیاق آیه هماهنگ است؛ زیرا در این آیات، از جبرئیل یادی نشده است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۳۳ / ۷) برای زمان ندای عیسی علیه السلام نیز دو نظر مطرح است: یک. بعد از وضع حمل. (طیب، ۱۳۷۸: ۴۳۲ / ۸) یا هنگام آن. (ابن عاشور، بی تا: ۱۶ / ۲۶؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۲۱۱ / ۶)

دو. قبل از وضع حمل؛ برخی تأکید کرده‌اند این ندا از درون شکم بوده است. سیوطی این نظر را به ابوالقاسم و کرمانی نسبت می‌دهد که واژه «تحت» در زبان نبطی به معنای بطن و شکم است. (سیوطی، ۱۳۸۴: ۴۷۷ / ۱) به این ترتیب ابوالقاسم و کرمانی معنای نبطی این واژه را به معنای عربی آن ترجیح داده‌اند. شاید در نظر ایشان اینکه جنین عیسی در درون رحم با مادرش سخن بگوید، قانع‌کننده‌تر است. (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۳ / ۱)

برخی از مفسران که نداده‌اند را جبرئیل می‌دانند، معتقدند منظور از «من تحتها» جهت پایین نیست، بلکه «من دونها» است؛ یعنی در کنار او. (طوسی، بی تا: ۱۱۶ / ۷ به نقل از ابوعلی نحوی) گرچه برخی نیز ضمن پذیرش معنای جهت پایین برای عبارت «من تحتها»، منادی را جبرئیل می‌دانند و این‌گونه تعبیر می‌کنند که جبرئیل مانند قابله‌ای در پایین پای مریم نشسته بود، تا جزع مریم را دید، او را ندا داد که اندوهگین مباش. (کاشانی، ۱۳۳۶: ۳۹۶ / ۵)

نتیجه آنکه در رابطه با معنای «تحت» در زبان عربی دو قول وجود دارد؛ یک قول معروف که آن را قسمت زیرین معنا کرده و دیگر قولی شاذ که آن را کنار می‌داند. نظر دیگر نبطی دانستن واژه «تحت» و معنای بطن و شکم است که قائلین کمی دارد.

همان‌گونه که پیش از این گفته شد لوگزبرگ کلمه «تحت» را تصحیفی از واژه «نحیت» سریانی به معنای زایمان می‌داند.

در رابطه با واژه «نحت» لغویان سه معنا ذکر کرده‌اند؛ یک. تراشیدن و بریدن چوب یا سنگ. همان‌گونه که در قرآن آمده است: «وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ» (شعراء / ۱۴۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۹۲ / ۳؛ راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۷۹۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۳: ۹۷ / ۲)؛ دو. تسویه و صاف کردن شیء به وسیله آهن. (ابن فارس، ۱۴۲۰: ۴۰۴ / ۵) سه. طبیعتی که انسان بر آن خلق شده است (غریزه)؛ ابن فارس، همان؛ جوهری، ۱۹۹۰: ۱ / ۲۶۸؛ راغب اصفهانی، همان؛ ابن منظور، همان). هیچ‌یک از لغویان به معنای مورد ادعای لوگزبرگ؛ یعنی زایمان اشاره نکرده‌اند. حتی در قاموس کلدانی - عربی نوشته منّا نیز به این معنا اشاره نشده و معادل این واژه را «نجر»، «خرط» و «قطع» به معنای حجاری کردن و تراشیدن دانسته است. (منّا، ۱۹۷۵: ۴۳۰) مشکور نیز در فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، معنای آن را بریدن، تراشیدن و حجاری کردن ذکر کرده است. (مشکور، ۱۳۷۵: ۸۹۴ / ۱)

مستند لغوی لوگزنبرگ و اعتبار آن مشخص نیست. اینکه او بر چه اساسی و با استناد به چه منبع لغوی مفهوم زایمان را برای این واژه در نظر گرفته محلّ مناقشه است. بدین ترتیب این ادعای او که واژه «تحت» تصحیف واژه «نحیت» است نیز پذیرفتنی نیست؛ زیرا این ادعا بر پایه در نظر گرفتن مفهوم زایمان برای واژه «نحیت» شکل گرفته است. حال که براساس مستندات لغوی مفهوم زایمان برای این واژه قابل تصور نیست، پس مدعای لوگزنبرگ نیز از اساس باطل است.

۴. بررسی واژه «سری»

«سری» به معنای نهر کوچک و جمع آن «اسریه» و «سُریان» است (مصطفوی، ۱۳۳۰: ۱۳۸ / ۵) البته برخی از لغویان آن را نهر کوچکی می‌دانند که به سوی نخل جاری می‌شود (فیروزآبادی، بی‌تا: ۴ / ۳۷۸؛ زبیدی، ۱۳۶۹: ۵۱۷ / ۱۹) و ابن‌عاشور معنای آن را آب زیاد جاری می‌داند. (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۷ / ۱۶) البته تا جایی که مؤلف اطلاع دارد این معنا را از میان لغویان و مفسران تنها ابن‌عاشور برگزیده است.

لغویان درباره معنای «سری» در آیه ۲۴ سوره مریم علیها السلام دو قول دارند؛ یک. شریف و رفیع؛ منظور از آن عیسی علیه السلام است. دو. نهر. (ماوردی، بی‌تا: ۳۶۵ / ۳؛ ابن‌هائم، ۱۴۲۳: ۲۲۴ / ۱) شاید این اختلاف معنا از این جهت باشد که برخی آن را ناقص واوی از ریشه «سرا، یسرو» می‌دانند که به معنای شریف، بزرگوار و نجیب شدن است و برخی آن را ناقص یائی از ریشه «سری، یسری» به معنای سپری شدن و جاری شدن می‌دانند. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۴۰۸ - ۴۰۹) اما اکثر مفسران گفته‌اند مراد جوی کوچک است. (از جمله ر.ک: فرّاء، ۱۹۸۰: ۱۶۵ / ۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۵۴ / ۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۹۷ / ۶؛ رازی، بی‌تا: ۵۲۸ / ۲۱؛ رازی، ۱۴۰۸: ۶۹ - ۶۸ / ۱۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۲ / ۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۳ / ۱۴) در مسائل ابن‌ازرق نیز از قول ابن‌عباس همین معنا نقل شده است. (عبدالرحمن، ۱۳۷۶: ۲۳۰)

این‌ابی‌حاتم از مجاهد آورده است که «سری» در لغت سریانی به معنای نهر است و از سعید بن جبیر آمده است که ریشه نبطی دارد، ولی شیزله حکایت کرده که از ریشه یونانی است. (سیوطی، ۱۳۸۴: ۴۷۹ / ۱) ابن‌هائم هم با مجاهد هم نظر است. (ابن‌هائم، ۱۴۲۳: ۲۲۴ / ۱) بنابراین در ریشه این واژه اختلاف نظر وجود دارد.

مدعای لوگزنبرگ این است که این واژه تصحیفی از واژه سریانی «شری» به معنای مشروع است. منّا ۲۷ معنا برای واژه سری ذکر کرده که اولین آن «حلّ» است. دیگر معانی: «انخلّ، انفک، انقطع،

حرر، اطلق، خلع، شرح، فسّر، خالف، فطر، اسقط، مدّ و ...» و در معنای بیست و یکم به حلّ که متضاد حرم است، اشاره می‌کند. (منّا، ۱۹۷۵: ۸۱۶) پس معنای اولیه این واژه همان «حلّ» نقیض نازل شدن و ساکن شدن است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۶ / ۳) و معنای حلال شدن و مشروع بودن که مطمح نظر لوگزنبرگ است، معنای ثانویه آن است. گرچه معنای اولیه آن نیز با سیاق و فضای آیه بی ربط است و جایگزین کردن «شریه» به جای «سری» در آیه با توجه به سیاق آن، کاملاً نادرست است.

احمد جمل می‌گوید من با لوگزنبرگ موافقم که واژه «سریا»، سریانی اصل است و به معنای نهر نیست؛ زیرا با تفحص در معاجم متعدد سریانی واژه «nahru» را برای رودخانه یافتیم که هم از لحاظ لفظ و هم از لحاظ معنا با واژه نهر در زبان عربی مطابقت دارد و نشانگر این است که این واژه سامی است. به علاوه در عربی واژه «سری» را به معنای رودخانه نیافتیم. با این تفاوت که من با لوگزنبرگ در معنای سریا به معنای حلال بودن مخالفم؛ زیرا این ادعا مستند به قاعده لغوی نیست که کلمه «sraya» را به معنای حلال بدانیم؛ بلکه به معنای «اطلق» یعنی آزاد از بند است. (همّتی، ۱۳۹۶: ۱۸، به نقل از احمد جمل، القرآن و لغه السریان: ۲۹) معنای موردنظر احمد جمل نیز از معنای اولیه‌ای که منّا در قاموس خود ذکر کرده، نیست، بر این اساس با توجه به معنای برگزیده احمد جمل شاید بتوان گفت منظور از «سریا» در آیه، عیسی علیه السلام است که آزاد از بند است. البته نه بند عبودیت خدا؛ بلکه بند تعلّقات مادی و هوای نفس.

بنابراین لوگزنبرگ در رابطه با این واژه نیز به وادی خطا رفته است؛ زیرا حتی در صورت پذیرفته بودن مفهوم «مشروع» برای واژه «سری» باز هم نمی‌توان قاطعانه این واژه را در آیه یادشده، مشروع معنا کرد. به علاوه مشخص شد واژه «نجیت» نیز به هیچ وجه معنای زایمان نیست. حال چگونه می‌توان «سری» را به مفهوم «مشروع» دانست و آیه را چنین معنا کرد؟ بدین ترتیب حتی اگر بتوان ادعای تصحیف این دو واژه را پذیرفت^۱ (البته این ادعا نیز با توجه به مصونیت قرآن از تحریف و تصحیف پذیرفته نیست) با توجه به معانی ذکر شده برای این دو واژه سریانی در معاجم و کتب لغت نمی‌توان عبارت «قَدْ جَعَلَ رُبُّكَ تَحْتَكِ سَرِيًّا» را طبق نظر لوگزنبرگ این‌گونه معنا کرد که خداوند زایمان تو را مشروع قرار می‌دهد.

۵. آراء مفسران در رابطه با ارتباط بین آیه ۲۳ و ۲۴ سوره مریم علیها السلام

همان‌گونه که پیش از این آمد منشأ و خاستگاه ادعای لوگزنبرگ مبنی بر تصحیف دو واژه «تحت» و

۱. البته قرآن به‌عنوان کلام الهی از تحریف و تصحیف مصون و معجزه جاودان است.

«سری» بی‌ارتباطی معنایی بین طعام و شراب با تسکین مریم علیها السلام بود. شایسته است در این موضع نظرات مفسران را جویا شد. اقدامی که لوگزنبرگ از آن غافل مانده است.

برخی از مفسران درباره ارتباط این دو موضوع به ظاهر غیرمرتبط، این‌گونه توضیح می‌دهند: حزن و اندوه مریم به دلیل فقدان طعام و شراب نبود تا او را با طعام و شراب تسلی دهند. بلکه تسلی به‌وسیله طعام و شراب از این حیث بود که آن دو معجزه‌ای بودند که اگر مردم آنها را می‌دیدند، ایمان می‌آوردند که مریم اهل عصمت است و از سوءظن نسبت به او دست برمی‌داشتند و برایشان روشن می‌شد که مسئله زایمانش هم از جنس معجزه است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۳ / ۳؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۲۵۳ / ۷؛ خفاجی، ۱۴۱۷: ۲۶۴ / ۶) به عبارت دیگر از دیدگاه این مفسران وجود طعام و شراب به‌عنوان معجزه، او را از اتهام سوء، تبرئه می‌کرد.

ابن‌عاشور هبه کردن طعام و شراب پاکیزه از طرف خداوند به مریم علیها السلام را کرامتی برای آن حضرت می‌داند و اعتقاد دارد در آن هنگام یوسف نجار خواستگار مریم علیها السلام نیز همراه او بود تا این کرامت را مشاهده کند و به عصمت و برائت مریم علیها السلام از گناه شهادت دهد. (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۲۶ / ۱۶)

مفسر دیگری تحقق این امور خارق‌العاده را پیامی از ناحیه خدا به مریم علیها السلام می‌داند؛ مبنی بر اینکه خداوند همراه توست و تو را فراموش نکرده و تو را از مردم و گزندشان حفظ می‌کند. (حجازی، ۱۴۱۳: ۴۵۱ / ۲)

البته براساس تفسیری که ابوصالح از ابن‌عباس نقل کرده حزن مریم علیها السلام از این جهت بود که در مکانی خشک و لم یزرع، بدون طعام و آبی که خود را تطهیر کند، فرزندش را به دنیا می‌آورد (ابن‌جوزی، ۱۴۲۲: ۱۲۶ / ۳) که در این صورت، تسکین او به‌وسیله نهر آبی که خود را با آن تطهیر کند و درخت خرمایی که از آن تناول کند، کاملاً با حزن و نگرانی او تناسب دارد.

به هر حال این گروه از مفسران نکات قابل تأملی را مطرح کرده‌اند که لوگزنبرگ به آن بی‌توجه بوده است. شاید او در ذهن خود نتوانسته باشد بین این دو مقوله ارتباط و پیوندی برقرار کند؛ ولی شایسته بود به‌عنوان پژوهشگر به منابع متعددی رجوع کند و از نظرات دیگران در خصوص ارتباط اجزای آیه مطلع شود. شاید در این صورت نظریه تصحیف را مطرح نمی‌کرد.

۶. داستان زایمان حضرت مریم علیها السلام در کتاب مقدس

در پایان این داستان را در کتاب مقدس پی می‌گیریم؛ از نحوه زایمان حضرت مریم علیها السلام و حالات او، در کتاب مقدس ذکری به میان نیامده است. تنها مطلبی که به آن اشاره شده همراهی یوسف نامزد

مریم علیها السلام با او هنگام زایمان است. (انجیل لوقا، باب دوم: ۸ - ۱) گرچه او نیز ابتدا مریم علیها السلام را باور نداشت و تصور می‌کرد مریم علیها السلام مرتکب فحشا شده است. اما هنگام خواب فرشته‌ای او را ندا داد که مریم از روح القدس باردار است. از این رو مریم علیها السلام نزد وی تبرئه شد. (انجیل متی، باب اول: ۲۵ - ۱۹)

نتیجه

کریستف لوگزنبرگ مدعی است که خط عربی ریشه‌ای آرامی - سریانی دارد و از آنجاکه که این خطاً ابتدایی فاقد نقطه و اعراب بود، عرب‌ها قرآن را درست نمی‌فهمیدند و در برخی موارد کلمات را تصحیف می‌کردند. از آن جمله دو واژه «تحت» و «شری» در آیه ۲۴ سوره مریم علیها السلام که تصحیف شده دو واژه سریانی «نحیت» و «شری» می‌باشند. او از آنجاکه نتوانسته بین اجزای آیه ۲۴ سوره مریم (شرم از بارداری نامشروع و تسکین به وسیله جوی آب و خرماى تازه) ارتباطی برقرار کند، به نظریه تصحیف این دو واژه پناه برده و به ترتیب معانی زایمان و مشروع را برای آنها مدعی شده و به این ترتیب به زعم خودش بین اجزای آیه ارتباط برقرار کرده و آن را این‌گونه معنا کرده: اندوهگین مباش که خداوند زایمان تو را مشروع قرار می‌دهد.

اولاً این ادعای او که خطاً عربی ریشه‌ای سریانی دارد، ادعای قابل دفاعی نیست؛ زیرا بررسی‌های تاریخی پیداش خطاً عربی، ریشه آن را آرامی - نبطی است. بنابراین خط عربی هویتی مستقل از سریانی دارد.

ثانیاً درست نفهمیدن قرآن توسط عرب‌ها به دلیل رسم الخطاً ابتدایی آن ادعای پذیرفته‌ای نیست؛ زیرا لوگزنبرگ در طرح این فرضیه سنت نقل شفاهی قرآن و حافظه حفاظ و همچنین نقط و شکل قرآن از سوی ابوالاسود دوئلی و شاگردانش را نادیده گرفته است.

ثالثاً معانی موردنظر لوگزنبرگ در مورد دو واژه «نحیت» و «شری»؛ یعنی زایمان و مشروع در برخی کتب لغت یافت نشد و در برخی دیگر از معانی ثانویه این واژگان محسوب می‌شد. در قاموس کلدانی - عربی منّا معنای اولیه «شری»، «حل» نقیض ساکن شدن، است و معنای مشروع بودن، بیست و یکمین معنایی بود که منّا برای آن ذکر کرده بود. برای نادیده گرفتن معنای اولیه یک واژه باید دلیل قانع کننده‌ای وجود داشته باشد. واژه «نحت» نیز در این قاموس به معنای تراشیدن و قطع کردن به کار رفته بود.

رابعاً بین معجزه طعام و شراب و نگرانی و حزن مریم از بارداری بدون همسر و عکس‌العمل قومش ارتباط وجود دارد. مفسران اسلامی طعام و شراب را معجزه‌ای می‌دانند که باور معجزه بودن تولد عیسی علیه السلام را برای مردم آسان و مریم علیها السلام را از اتهام زنا تبرئه می‌کند. به این ترتیب بخش‌های آیه در ارتباط با یکدیگر هستند و در این صورت نیازی نیست قائل به تصحیف واژه‌های این آیه شویم.

منابع و مأخذ

الف) کتابها

- قرآن کریم.

- کتاب مقدس.

- آذرنوش، آذرتاش، ۱۳۷۴، *راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی*، تهران، توس.

- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ ق، *زادالمسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دار الکتب العربی.

- ابن عاشور، محمدطاهر، بی تا، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.

- ابن فارس، احمد، ۱۴۲۰ ق، *معجم مقاییس اللغة*، بیروت، دار الکتب العلمیة.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۳ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- ابن هائم، شهاب الدین احمد بن محمد، ۱۴۲۳ ق، *التبیان فی تفسیر غریب القرآن*، بیروت،

دارالغرب الاسلامی.

- ابو حیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.

- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ ق، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت،

دار احیاء التراث العربی.

- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۹۹۰ م، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت، دار العلم للملایین.

- حجازی، محمد محمود، ۱۴۱۳ ق، *التفسیر الواضح*، بیروت، دارالجیل الجدید.

- خفاجی، احمد بن محمد، ۱۴۱۷ ق، *عناية القاضی و كفاية الراضی*، بیروت، دار الکتب العلمیة.

- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد

پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، بی تا، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، *مفردات فی الفاظ الغریب القرآن*، تهران، کتابفروشی اسلامیة.

- رامیار، محمود، ۱۳۶۹، *تاریخ قرآن*، تهران، امیر کبیر.

- زبیدی، مرتضی، ۱۳۶۹، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی.

- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل*

فی وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العربی.

- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۳۸۴، *الاتقان فی علوم القرآن*، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران، امیر کبیر.

- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.

- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۲۰ ق، *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- سید طیب، عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام.
- عبدالرحمن، عایشه بنت الشاطی، ۱۳۷۶، *اعجاز بیانی قرآن*، ترجمه حسین صابری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- فزّاء، ابوزکریا یحیی بن زیاد، ۱۹۸۰ م، *معانی القرآن*، مصر، دار المصریة للتألیف و الترجمة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بی تا، *قاموس المحيط*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۳۶، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.
- ماوردی، علی بن محمد، بی تا، *النکت و العیون*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- مدرسی، سید محمدتقی، ۱۴۱۹ ق، *من هدی القرآن*، تهران، دار المعجی الحسین علیه السلام.
- مشکور، محمدجواد، ۱۳۷۵، *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان های سامی و ایرانی*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۲۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر.
- یعقوب اوجین منّا، مطران، ۱۹۷۵ م، *قاموس کلدانی - عربی*، بیروت، منشورات مرکز بابل.

ب) مقاله ها

- دوبلوا، فرانسوا، ۱۳۸۲، «نقدی بر کتاب قرائت آرامی - سریانی قرآن»، ترجمه مرتضی کریمی نیا، *ترجمان وحی*، ش ۱۴، ص ۱۲۸ - ۱۲۰، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه.
- صرفی، زهرا، آذرتاش آذرنوش، نصرت نیل ساز و نهله غروی نایینی، ۱۳۹۵، «نقد دیدگاه لوگزنبرگ درباره سریانی بودن خط قرآن در نگارش نخستین»، *ادب عربی*، سال ۸، شماره ۱، تهران، دانشگاه تهران.
- کریمی نیا، مرتضی، ۱۳۸۲، «مسئله تأثیر زبان های آرامی و سریانی در زبان قرآن»، *نشر دانش*، ش ۱۱۰، ص ۵۶ - ۴۵، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- کریمی نیا، مرتضی، ۱۳۸۹، «واژگان دخیل در تعیین زبان خارجی آنها در تفسیر قرآن»، *ترجمان وحی*، ش ۱۳، ص ۳۹-۵۳، تهران، سازمان اوقاف و امور خیریه.
- همتی، محمدعلی و محمدکاظم شاکر، ۱۳۹۶، «نقد قرائت سریانی - آرنی لوگزنبرگ از آیه ۲۴ سوره مریم»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، سال چهاردهم، ش ۱، تهران، دانشگاه الزهراء علیها السلام.